

بررسی نگرش مدیران شهر اندیمشک به محیط زیست شهری و عوامل مرتبط با آن

اسحاق ارجمند سیاهپوش*

داریوش رضایپور**

چکیده

نگرش مدیران در خصوص محیط زیست شهری نقش مهمی در شکل گیری رفتارهای زیست محیطی آنان دارد و برای جهت دهی نگرش مدیران، مطالعه عوامل مؤثر بر آن اهمیت دارد. در این راستا، این پژوهش به دنبال بررسی نگرش مدیران شهر اندیمشک نسبت به مقوله محیط زیست شهری و عوامل مرتبط با آن است. روش مطالعه تحقیق پیمایشی و شیوه جمع آوری داده ها استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه مدیران شهر اندیمشک تشکیل می دهند که بنا بر آمار ۹۰ نفر هستند. با استفاده از روش نمونه گیری کل شماری همین تعداد به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روایی و اعتبار به کمک آلفای کرونباخ و اعتبار صوری حاصل گردید و همچنین برای تحلیل نتایج داده های پژوهش از نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که بین متغیر وابسته، یعنی نگرش مدیران نسبت به محیط زیست شهری، و متغیرهای مستقل، یعنی میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان تخصص و تجربه کاری و سن، رابطه معناداری وجود دارد. در حالی که بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی-اجتماعی و میزان ارزش های اجتماعی، و متغیر وابسته رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه های کلیدی: محیط زیست، وسایل ارتباط جمعی، تخصص گرایی، ارزش ها، شهر

اندیمشک

* دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، گروه روان شناسی، اندیمشک، ایران (نویسنده مسئول)

E.arjmand@yahoo.com

D.rezapour@gmail.com

** استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۱۱

فصلنامه راهبردهای اجتماعی - فرهنگی، سال هشتم، شماره سی و یکم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۲۴-۱۰۳

مقدمه

محیط زیست موضوعی است که در چند دهه گذشته به ویژه چند سال اخیر آگاهی بشر به تدریج نسبت به آن و خطراتی که محیط زندگی آنان را تهدید می کند افزایش یافته است. در همین راستا انجمن ها، گروه ها و سازمان های طرفدار محیط زیست تشکیل شدند و با تلاش مستمر با علل و عوامل مخرب زیست محیطی، به خصوص در بُعد جهانی، به مبارزه برخاستند (صالحی و کریم زاده، ۱۳۹۳: ۶۳). صاحب نظران در حوزه محیط زیست معتقدند کیفیت محیط زیست و کنترل مؤثر مسائل زیست محیطی کاملاً به الگوهای رفتاری انسان ها وابسته است؛ مشکلات زیست محیطی متنوعی که امروزه با آن ها مواجه هستیم همانند گرم شدن تدریجی زمین و تغییرات آب و هوایی، آلودگی هوا، کمبود آب، کاهش منابع طبیعی و نابودی تنوع اکوسیستمی در جهان، ریشه در رفتار بشری دارند (Nik and Mohammad, 2012).

بسیاری از انسان ها علی رغم آگاهی و نگرانی از تخریب محیط، همچنان به رفتارهای غیرمسئولانه خود ادامه می دهند و زمانی انجام رفتارهای پیشگیرانه و حمایتی برای آن ها معنا پیدا می کند که محیط زیست و تمام اجزای آن نوعی ارزش برای آن ها تلقی شود. اما با وجود تمام معضلاتی که اینک محیط زیست با آن دست به گریبان است، انسان قادر است این روند را به سوی بهبودی زیست بوم و سلامت اجتماعی خود تغییر دهد. نخستین گام برای دستیابی به این هدف، ریشه یابی دلیل وقوع این تخریب هاست. چالش های محیط زیستی غالباً دارای منشأ فکری و فرهنگی بوده و به نگرش های غلط انسان به طبیعت بازمی گردد؛ زیرا طرز

فکر ما اولین چیزی است که وارد محیط می‌شود و چگونگی رفتار ما را با آن تعیین می‌کند. در نتیجه، برای حفاظت از محیط‌زیست، نحوه رفتار انسان با طبیعت و روش زندگی وی باید تغییر یابد و این امر مستلزم تغییر نگرش انسان به محیط‌زیست است. باید توجه داشت که این امری ممکن است چراکه نگرش‌ها نقش حک‌شده‌ای بر سنگ خارا نیستند که تغییر شکل ندهند بلکه تغییر در آن‌ها سرآغاز معنی‌داری برای تعدیل رفتار است و اصولاً اکتسابی و آموختنی هستند (ندرلو و شمس، ۱۳۹۶: ۵۷۴).

ایران در رعایت شاخص‌های پایداری محیط‌زیست، توسعه پایدار و کیفیت زندگی همواره رتبه‌های پایین جداول جهانی را به خود اختصاص داده است. جایگاه کشورمان در جدول شاخص‌های پایداری محیط‌زیست در سال ۲۰۰۵ رتبه ۱۳۲ در میان ۱۴۶ کشور بوده است. از جمله نمونه‌های دیگری که بتوان ادعا کرد که آژیر خطر در محیط‌زیست به صدا درآمده است عبارت‌اند از: کاهش سطح جنگل‌ها طی ۳ دهه از ۲۱ میلیون هکتار به ۱۴ میلیون هکتار و مقایسه سهم سرانه ۲ درصد هکتاری هر ایرانی در مقایسه با ۸ درصد هکتار سرانه جهانی؛ تقلیل متوسط سرانه آب قابل تجدید از ۷۰۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۴۰ به ۲۱۰۰ مترمکعب در سال ۱۳۷۶ و پیش‌بینی آن در حد ۱۳۰۰ مترمکعب تا سال ۱۶۰۰ و ورود ایران به مرحله تنش آبی؛ پیش‌بینی رسیدن حجم پساب‌های اصلی (صنعتی، شهری و کشاورزی) به میزان ۴۰ میلیارد مترمکعب در سال ۱۴۰۰ که نسبت به ۲۹ میلیارد مترمکعب در سال ۱۳۸۰ از رشد ۳۸ درصدی برخوردار است و به اندازه حدود یک سوم منابع تجدیدپذیر کشور می‌رسد؛ خسارات ناشی از آلودگی هوا بالغ بر ۷ میلیارد دلار که در صورت ادامه روند فعلی این خسارت در سال ۲۰۱۶ میلادی به ۱۶ میلیارد دلار^(۱) می‌رسد؛ فرسایش خاک سالانه ۲ میلیارد تنی که سه برابر متوسط آسیاست و معادل تخریب یک میلیون هکتار زمین کشاورزی است؛ رتبه ۱۳ تولید گازهای گلخانه‌ای در بین کشورهای جهان (نواح و فروتن، ۱۳۹۰: ۶۹).

عامل اصلی در شکل‌گیری مخاطرات زیست‌محیطی انسان است. افراد هر اجتماعی بر حسب شرایط و مقتضیات خاص اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی

خود، برخورد متفاوتی با محیط زیست دارند. این رفتارها ممکن است مثبت، محیط گرایانه و مسئولانه باشند یا برعکس، منفی و مخالف محیط زیست. به همین دلیل در دهه های اخیر، نحوه برخوردها و رفتارهای انسان با طبیعت مورد توجه محققان قرار گرفته است (Axelord and Lehman, 1993: 152).

محیط زیست شهر، مانند همه محیط هایی که زندگی در آن ها جریان دارد، در فعالیت های انسان تأثیر می گذارد و از آن متأثر می گردد. به دلیل شمار زیاد جمعیتی که در آن درگیرند، اگر این تأثیر متقابل مخرب باشد، فجایع زیست محیطی به بار خواهد آمد. بنابراین شناسایی و تبیین وضعیت نگرش محیط زیستی مدیران گام مهمی در آموزش نیروی انسانی متخصص و متعهد با رویکردی زیست محیطی است.

شهر اندیمشک در شمال خوزستان، شاهره ارتباطی جنوب با مرکز و شمال ایران است. این شهر به دلیل داشتن جاذبه های تاریخی و رودخانه های بسیار جایگاه خاصی در منطقه دارد. با توجه به این ویژگی ها و رشد جمعیت آن در سال های اخیر، شاهد گسترش صنایع مختلف و فعالیت های خدماتی و اقتصادی و علمی و اداری در خود است؛ بالطبع با گسترش این فعالیت ها، انواع مشکلات زیست محیطی همچون آلودگی هوا، آلودگی صوتی، ایجاد انبوه زباله و دیگر مخاطرات زیست محیطی نیز رو به افزایش است. همین امر این شهر را به مورد مناسبی برای مطالعات جامعه شناسی و زیست محیطی تبدیل کرده است.

مدیران شهری با برنامه ریزی شهری و منطقه ای می توانند در ایجاد محیطی سالم، زیبا و آرامش بخش، حفظ و نگهداری از محیط زیست اقدامات لازم جهت جلوگیری از آلودگی های محیط زیستی، به عمل آورند. بدین ترتیب این پژوهش بر آن است تا با رویکردی کمی به بررسی نگرش مدیران شهر اندیمشک از محیط زیست شهری و عوامل مؤثر بر آن بپردازد.

پیشینه پژوهش

- احمدیان و حقیقتیان (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل جامعه شناسی نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست محیطی شهری (مورد مطالعه شهروندان شهر

کرمانشاه»، به دنبال شناخت میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین رفتارهای زیست‌محیطی شهروندان متوسط رو به بالا (۳/۱) است و بین متغیرهای ارزش، باور و آگاهی‌های زیست‌محیطی با رفتار زیست‌محیطی رابطه معناداری وجود دارد درحالی که متغیر تحصیلات با آن رابطه نداشت. همچنین رفتارهای زیست‌محیطی برحسب جنسیت، تأهل و گروه‌های سنی متفاوت است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد متغیرهای مستقل تحقیق ۰/۱۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در نهایت می‌توان گفت که عوامل فرهنگی می‌توانند پیش‌بینی‌کننده سیاست‌های ترویج رفتارهای زیست‌محیطی مسئولانه باشند.

-ضیایپور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی محیط زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه»، که با روش پیمایشی و نمونه آماری ۳۸۵ نفر از ساکنان باسابقه الی ۱۸ سال مناطق شهری و روستایی کرمانشاه انجام گرفته، نشان داده‌اند که رفتارهای شهروندان نسبت به محیط زیست مسئولانه‌تر و میانگین این رفتارها برحسب جنسیت متفاوت نیست، درحالی که این تفاوت برحسب سن و تأهل معنادار بود. تحلیل همبستگی نیز نشان داد که بین تحصیلات پاسخگویان و رفتار زیست‌محیطی رابطه معناداری وجود داشت.

-مختاری ملک‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل و بازشناسی رفتارهای زیست‌محیطی شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان، سال ۱۳۹۱)» به سنجش تأثیر برخی متغیرها، از جمله دانش زیست‌محیطی، نگرش زیست‌محیطی، ارتباط افراد با طبیعت، سن، جنسیت، وضعیت تأهل و موقعیت اجتماعی-اقتصادی بر رفتار زیست‌محیطی شهروندان پرداخته است. نتایج نشان داد که رفتار زیست‌محیطی شهروندان اصفهانی نسبت به دهه قبل رفتارهایی مسئولانه‌تر شده است. ارتباط افراد با طبیعت مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده رفتار زیست‌محیطی از بین دیگر عوامل موردبررسی است. افراد مسن و زنان رفتارهایی مانند تفکیک زباله و استفاده از حمل‌ونقل دوستدار محیط‌زیست را بیشتر از مردان

انجام می دهند. موقعیت اجتماعی-اقتصادی پیش بینی کننده استفاده افراد از حمل و نقل دوستدار محیط زیست و خرید زیست محیطی است که البته رابطه اول منفی است بدین گونه که افراد با موقعیت اجتماعی-اقتصادی بالاتر کمتر از حمل و نقل دوستدار محیط زیست استفاده می کنند. زنان از حمل و نقل دوستدار محیط زیست بیشتر استفاده می کنند و در زمینه تفکیک زباله از مبدأ نیز رفتار مطلوب تری دارند.

-واقفی و حقیقتیان (۱۳۹۳) «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی (بعد نهادینه) بر رفتارهای اجتماعی زیست محیطی با رویکرد توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر شیراز)» انجام دادند؛ که یافته ها حاکی از آن است که بین جنس، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، سرمایه فرهنگی (بعد نهادینه) و وضعیت تأهل با رفتارهای اجتماعی زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد.

-گیبرت (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «بازیافت زباله: تأثیر دانش، نگرش و رفتار زیست محیطی» به بررسی تصورات مردم نسبت به بازیافت زباله در کرواسی پرداخت. نتایج نشان داد که نگرش کلی درباره محیط زیست به طور معناداری بالاتر از رفتار بازیافت و نیز شناخت روش های بازیافت بود. این حاکی از آن بود که مردم از هزینه های پنهانی مدیریت ضعیف زباله آگاه هستند اما بین این نگرش ها و رفتار واقعی (بازیافت زباله) گسست وجود داشت که ناشی از عامل مطلوبیت اجتماعی این امر بود. بین شناخت روش های بازیافت و رفتار بازیافت نیز رابطه قوی و مثبت دیده شد. رفتار بازیافت برحسب جنسیت و سطح تحصیلات متفاوت بود، به این معنا که زنان مراقبت بیشتری نسبت به مردان داشتند؛ این امر نگرش های جنسیتی را بازتاب می دهد. در مورد نگرش های زیست محیطی پاسخگویانی که تحصیلات دانشگاهی داشتند، شناخت بهتری نسبت به روش های بازیافت داشتند درحالی که با کاهش سطح تحصیلات این روند نیز معکوس می شد.

-سینگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «نقش حمایت سازمانی ادراک شده در رابطه بین نقش های مازاد و رفتار شهروندی سازمانی» به دنبال تعیین

اثر حمایت سازمانی ادراک شده و رفتار شهروندی سازمانی و نقش‌های مازاد بودند. جامعه آماری این پژوهش ۲۰۰ نفر از کارکنان سازمان‌های خصوصی و دولتی کشور هند بود. یافته‌ها نشان داد که حمایت سازمانی ادراک‌شده نقشی تعدیل‌گر در رابطه بین نقش‌های مازاد و رفتار شهروندی سازمانی ایفا می‌کند. همچنین حمایت سازمانی ادراک‌شده رابطه مثبت و معناداری با رفتار شهروندی سازمانی دارد.

-گانگای و آگرو (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «تعهد سازمانی و رضایت شغلی» به بررسی رابطه بین تعهد سازمانی و ادراک کارکنان از نگرش سازمانی مدیران پرداختند. یافته‌ها نشان داد که نگرش سازمانی مدیران تنها با بعد عاطفی از ابعاد سه‌گانه تعهد سازمانی رابطه معنی‌دار و در جهت منفی دارد و با دو بعد مستمر و هنجاری رابطه معناداری بین جنسیت و تعهد سازمانی مشاهده نگردید. همچنین رابطه معناداری در سطح یک درصد بین ادراک کارکنان از نگرش سازمانی مدیران و تعهد سازمانی در مردان مشاهده شد. یافته‌های تحقیق رابطه بین سن و ادراک کارکنان از نگرش سازمانی مدیران و بین سابقه خدمت و ادراک کارکنان از نگرش سازمانی مدیران را در سطح معنی‌داری نشان نمی‌دهد. همچنین یافته‌های تحقیق عدم وجود رابطه‌ای معنی‌دار بین سابقه خدمت و تعهد سازمانی را نشان می‌دهد.

مبانی و چهارچوب نظری

نظریه اولریش بک^۱

نظریه جامعه مخاطره‌آمیز توسط اولریش بک مطرح شده است. به باور او دگرگونی اخیر جوامع باختری به اهمیت مسائل زیست‌محیطی اشاره دارد. همچنین تأکید بر بهداشت اثرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیست‌محیطی به طور عام، و تولید مبتنی بر علم و فناوری به طور خاص باشد (ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۰: ۴۸)؛ زیرا همان‌گونه که بک مطرح می‌کند زندگی افراد اجتماع در همه ابعاد با طبیعت

1. Ulrich Beck

درآمیخته شده است و افراد جامعه برای بهره‌برداری درست از طبیعت نیازمند آگاهی از محیط اطراف خود هستند. در واقع، هرچه افراد اجتماع نسبت به مسائل و مشکلات محیط‌زیست اطراف خود مانند (نازک‌شدن لایه اوزون، جنگل‌زدایی، بیابان‌زایی و...) آگاهی بیشتری داشته باشند، رفتارهای زیست محیطی بهتری نیز از خود بروز می‌دهند و بهتر قدر طبیعت را می‌دانند (معیدفر، ۱۳۷۹: ۲۱۸).

نظریه آیزن و فیشباین^۱

آیزن و فیشباین (۱۹۷۵) انسان را یک موجود منطقی در نظر می‌گیرند که معمولاً به شیوه منسجم و مؤثر عمل می‌کند. به نظر آیزن و فیشباین، آنچه بین نگرش و رفتار دیده می‌شود، قصد عمل کردن است. به عقیده آن‌ها، اگر شخصی واقعاً قصد داشته باشد که در یک موقعیت معین یا در یک موضوع معین، به شیوه خاصی عمل کند، رفتار او آن را نشان خواهد داد، مگر اینکه از لحاظ ابزاری یا جسمی امکان‌پذیر نباشد. فرد هرگز با چشم بسته عمل نمی‌کند. قصد عمل کردن فرد مسلماً تحت تأثیر نگرش او قرار می‌گیرد، همچنین فشار اطرافیان و میزان ارزش‌گذاری بر این فشارها نیز قصد او را تحت تأثیر قرار می‌دهند: این عوامل تشکیل‌دهنده الگویی هستند که اصطلاحاً «هنجارهای ذهنی» نامیده می‌شود. هنجارها از این نظر ذهنی است که فرد، رفتار خود را بر اساس ادراکی که از آن‌ها دارد، پایه‌ریزی می‌کند. بدین ترتیب، اگر درس سالم‌سازی آب را جهت انتظارهای خود بدانم اما از طرف اطرافیان تشویق نشوم، احتمال تبدیل نگرش من به رفتار کاهش خواهد یافت. به‌عنوان مثال، اگر دوستانم در کلاس‌های آمادگی برای کنکور شرکت کنند اما والدینم معتقد باشند که من برای این کار ساخته نشده‌ام، فشار آن‌ها روی قصد من تأثیر خواهد گذاشت. طبق این نظریه، برای آنکه نگرش به رفتار تبدیل شود لازم است بر انتظارات قابل تحقق پایه‌ریزی شود و بر تقویت اطرافیان تکیه کند (بدار و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۱۸).

با توجه به تئوری آیزن و فیشباین، رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید. لذا می‌توان این‌گونه برداشت نمود که رفتار هدف‌دار است و عمدتاً با میل

1. Fish bein & Ajzen

رسیدن به هدفی خاص برانگیخته می‌شود (هرسی و بلانچارد، ۱۳۶۵: ۷۸). پدیداری «قصد و نیت» خود تابع وجود دو متغیر دیگر است: ۱) گرایش به رفتار موردنظر یک متغیر فردی و شخصی است؛ فرد برای دست زدن به یک رفتار، آن را با نظر خودش سنجیده و خوب بودن یا بد بودن رفتار را ارزیابی می‌کند. ۲) هنجارهای ذهنی در تئوری فیشباین و آیزن منعکس کننده فشار اجتماعی بر روی یک شخص برای انجام یک رفتار است؛ رفتار فرد تا چه حد موردتأیید یا عدم تأیید افراد یا گروه‌های خاص جامعه قرار خواهد گرفت. این فشار معمولاً از سوی گروه مرجع، یعنی گروهی که فرد متعلق به آن است بر شخص وارد می‌شود که شامل پدر، مادر، دوستان، همکاران و یا کسانی است که ارتباط نزدیکی با فرد دارند.

نظریه تالکوت پارسونز

پارسونز برخی از پیش‌نیازهای کارکردی نظام اجتماعی را این‌گونه بیان می‌کند: نخست آنکه هر نظام اجتماعی باید چنان ساختار گیرد تا بتواند به گونه‌ای سازگار با نظام‌های دیگر عمل کند (ساختارش به گونه‌ای باشد که به‌نوبه خود و در کنار جوامع دیگر به حفظ محیط زیست بپردازد). دوم آنکه هر نظام اجتماعی برای آنکه باقی بماند باید از پشتیبانی ضروری نظام‌های دیگر برخوردار باشد. سوم آنکه هر نظامی باید نیازهای مهم کنشگران خود را به اندازه کافی برآورده سازد (نیازهای اولیه افراد را برآورده سازد و در مقابل، از افراد انتظار پاسداری از محیط زیست را داشته باشد). چهارم آنکه یک نظام باید مشارکت کافی اعضایش را برانگیزاند (یک نظام با عملکرد مناسب خود راه‌هایی ابداع کند که حس مسؤولیت‌پذیری مردم را در این زمینه برانگیزد). پنجم آنکه یک نظام باید حداقل نظارت را بر رفتار بالقوه مخرب اعضایش داشته باشد. ششم آنکه هرگاه کشمکش‌ها به اندازه مشخصی مخرب شوند، آن‌ها را تحت نظارت درآورد. ارزش‌ها و هنجارهای مناسب در این زمینه را باید بسط و گسترش داد و نهادینه کرد تا درونی گردد. به باور او، فرهنگ نیروی عمده‌ای است که عناصر گوناگون جهان اجتماعی و یا به تعبیر خودش، نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد. به عقیده پارسونز هنجارها و ارزش‌ها در

جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کند (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۳۸-۱۳۵).

نظریه ژرژ تومه^۱

تومه معتقد است که میزان احترام شهروندان هر جامعه به اخلاق محیطی و حفاظت از محیط طبیعی، از جمله معیارهای سنجش میزان توسعه فرهنگی در آن جامعه محسوب می‌شود. به باور او فرهنگ و جامعه با هم در تعامل هستند و فرهنگ هدایت‌کننده عملکرد افراد جامعه است. با تغییر فرهنگ، می‌توان رفتار مردم را تغییر داد اما فرهنگ فقط یک عامل یا یک واژه و عبارت نیست، بلکه دنیای گسترده‌ای است. فرهنگ متشکل از عادات و آداب است، عاداتی که در طی زمان شکل گرفته‌اند و مردم مطابق با آن‌ها رفتار می‌کنند. او مخالف توقف توسعه مادی است و معتقد است بایستی با پذیرش اخلاق محیطی بُعدی فرهنگی به توسعه بخشید. هدف نهایی آموزش‌ها و اخلاق محیطی، ایجاد تقویت رفتار ایده‌آل محیطی است. بین محیط‌زیست و توسعه فرهنگی ارتباط متقابل وجود دارد. اگر توسعه دارای بعد فرهنگی باشد بهتر می‌توان از محیط‌زیست حفاظت کرد و اگر محیط‌زیست حفظ شود، این عمل سبب تقویت هویت فرهنگی خواهد شد. بدین ترتیب، هدف نهایی مترادف ساختن توسعه با فرهنگ است (تومه، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۳).

نظریه آنتونی گیدنز

گیدنز برخلاف جامعه‌شناسان کلاسیک، به موضوع‌های محیط‌زیستی و جایگاه طبیعت در نظریه اجتماعی خود توجه بیشتری نشان داده است. توجه گیدنز به محیط‌زیست خود را در نظریه جهانی شدن او آشکار می‌کند. به باور او «در سنت‌های فکری که با جامعه‌شناسی آمیخته‌اند، مشغله‌های زیست بومی چندان جایی ندارند. صنعت‌گرایی، دنیایی ترسناک‌تر آفرید. به‌طوری‌که دگرگونی زیست محیطی زبان‌آوری رخ می‌دهد که هیچ‌کس بر روی کره زمین از تأثیر آن برکنار نیست» (وینوگرا، ۱۳۸۱: ۱۲۱). گیدنز سیاست‌های زیست محیطی را

1. Georges Tome

پیشرفت‌هایی می‌داند که به سمت اخلاقی شدن نظم اجتماعی، نهادها و روابط گرایش دارد و این نکته برای او بسیار ارزشمند است. او جنبش‌های زیست‌محیطی را کوششی می‌داند برای استقرار فردی بنیادهای اخلاقی و امنیت‌هنجاری در زندگی مردم. اخلاقیاتی که وی آن‌ها را می‌پسندد آن اصولی هستند که در دنیای امروزی و شهرنشینی از بین رفته‌اند. «یکی از پدیده‌های نوسازی شهری، از دست رفتن حس زندگی در میان نظم طبیعی است. زندگی در محیط شهری، مردم را از واقعیات دنیای طبیعی و وابستگی جامعه به آن دور می‌کند» (همان: ۱۲۴).

با توجه به چارچوب نظری طرح‌شده، پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر را بررسی می‌کند:

بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

بین میزان ارزش‌های اجتماعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

بین میزان تخصص و تجربه کاری و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

بین سن و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

بین جنسیت و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش کمی برای جمع‌آوری داده‌ها از دو روش اسنادی و میدانی (پیمایش) استفاده شده است؛ به طوری که برای مطالعه نظریه‌ها و کسب اطلاعات به منابع و اسناد، و برای سنجش و تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش پیمایش بهره گرفته شده است. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش پیمایشی استفاده از «پرسشنامه» است. سؤالات موجود در این پرسشنامه در سطوح مختلف سنجش اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای هستند اما اغلب سؤالات بر پایه مقیاس ترتیبی لیکرت

طراحی شده اند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه مدیران شهر اندیمشک (مدیران و معاونین شهرداری و مدیران و معاونین ادارات و نهادهای دولتی) در سال ۱۳۹۷ هستند که بنابر آمار ۹۰ نفر می باشند. در این پژوهش با توجه به این که کل جامعه آماری به عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شده، نمونه گیری به صورت کل شماری انجام شده است. پرسشنامه پژوهش پس از طراحی جهت اعتبار صوری^۱ در اختیار متخصصان و کارشناسان دانشگاهی قرار گرفت. اظهار نظر این افراد در راستای سنجش گویه های هر طیف، در نهایت به گزینش گویه های مناسب برای هر طیف منجر شد. برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ^۲ استفاده شده است. آلفای کرونباخ هر کدام از متغیرهای در جدول زیر آورده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون من وایت نی، آزمون کروسکال والیس و تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده و در نهایت از نرم افزار ۱۶ SPSS بهره گرفته ایم.

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرها

نام متغیر	تعداد گویه ها	ضریب آلفای کرونباخ
میزان استفاده از رسانه های جمعی	۸	۰/۷۰۰
میزان ارزش های اجتماعی	۱۱	۰/۷۶۵
میزان تخصص و تجربه کاری	۹	۰/۸۵۶
نگرش مدیران به محیط زیست	۱۰	۰/۸۸۵

یافته های پژوهش

الف) یافته های توصیفی

نتایج حاصل از یافته های توصیفی نشان می دهد که ۵۹/۸ درصد از افراد مورد مطالعه مرد و ۴۰/۲ درصد از آن ها زن هستند. ۲۲/۵ درصد از پاسخگویان را مدیران جوان، ۴۷ درصد مدیران میان سال و ۳۰/۵ درصد را مدیران بزرگ سال تشکیل می دهند. ۶۵ درصد از پاسخگویان را مدیران ادارات دولتی و ۳۵ درصد را مدیران شهرداری ها تشکیل می دهند. ۱۲ درصد از پاسخگویان دارای مدرک دیپلم،

1. face validity

2. Cronbach's Alpha

۲۴/۵ درصد فوق‌دیپلم، ۴۹/۵ درصد لیسانس و ۱۴ درصد دارای مدرک فوق‌لیسانس و بالاتر بودند. ۳۰/۴ درصد میزان درآمد ماهیانه را یک تا دو میلیون، ۴۱/۶ درصد میزان درآمد را دو تا سه میلیون، ۲۸ درصد نیز درآمد بیشتر از چهار میلیون تومان در ماه داشته‌اند.

ب) یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

جدول ۲ نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری شهر اندیمشک را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۲ پیداست ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری برابر با ۰/۱۶۸ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۲ است. به این دلیل که سطح معناداری کمتر از پنج درصد است، پس رابطه معناداری بین دو متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری وجود دارد، لذا فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد.

جدول ۲. نتیجه آزمون فرضیه اول بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۰/۱۶۸	۰/۰۰۲	همبستگی مثبت معنادار و رد H_0

فرضیه دوم: بین میزان ارزش‌های اجتماعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

جدول ۳ نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان ارزش‌های اجتماعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری شهر اندیمشک را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان ارزش‌های اجتماعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری برابر با ۰/۳۸۱ و سطح معناداری آن صفر است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از پنج درصد است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر

میزان ارزش های اجتماعی و نگرش مدیران به محیط زیست شهری وجود دارد و فرضیه تحقیق تأیید می شود.

جدول ۳. نتیجه آزمون فرضیه دوم بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن
H. همبستگی مثبت معنادار و رد	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱

فرضیه سوم: بین میزان تخصص و تجربه کاری و نگرش مدیران به محیط زیست شهری رابطه وجود دارد.

جدول ۴ نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان تخصص و تجربه کاری و نگرش مدیران به محیط زیست شهری را نشان می دهد. همان طور که از جدول ۴ پیداست بین میزان تخصص و تجربه کاری و نگرش مدیران به محیط زیست شهری رابطه مثبت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده در جدول همبستگی ۰/۰۰ می باشد و همبستگی مشاهده شده در این پژوهش ۰/۶۵۶ است، پس این فرضیه که دلالت بر رابطه بین میزان تخصص و تجربه کاری و نگرش مدیران به محیط زیست شهری اندیمشک دارد تأیید می گردد.

جدول ۴. نتیجه آزمون فرضیه سوم بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن
H. همبستگی مثبت معنادار و رد	۰/۰۰۰	۰/۶۵۶

فرضیه چهارم: بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نگرش مدیران به محیط زیست شهری رابطه وجود دارد.

سطح سنجش متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی ترتیبی است، لذا برای بررسی رابطه متغیرها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نگرش مدیران به محیط زیست شهری برابر با ۰/۱۰۵- و سطح معناداری آن ۰/۲۹۹ است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی بیشتر از پنج درصد است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر پایگاه

اقتصادی-اجتماعی و نگرش مدیران به محیط زیست شهری وجود ندارد و فرضیه تحقیق رد می‌شود.

جدول ۵. نتیجه آزمون فرضیه چهارم بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن
H. عدم همبستگی معنادار و تأیید	۰/۲۹۹	-۰/۱۰۵

فرضیه پنجم: بین سن و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

جدول ۶ نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین سن و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری را نشان می‌دهد. همان‌طور که پیداست بین سن و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری آنان رابطه معکوس وجود دارد. با توجه به اینکه ضریب همبستگی اسپیرمن بین سن و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری برابر با $-۰/۲۷۲$ و سطح معناداری آن $۰/۰۰۶$ است، می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر سن و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری وجود دارد.

جدول ۶. نتیجه آزمون فرضیه پنجم بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن
H. همبستگی منفی معنادار و رد	۰/۰۰۶	-۰/۲۷۲

فرضیه ششم: بین جنسیت و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین متغیر جنسیت با نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری به دلیل نرمال نبودن داده‌های متغیر وابسته، از آزمون ناپارامتری من وایت نی استفاده گردید. در جدول ۷ مقدار این آزمون برابر با $-۱/۷۱۸$ و سطح معناداری آن برابر با $۰/۰۸۶$ است. لذا تفاوت معناداری بین مدیران زن و مرد نسبت به محیط‌زیست شهری وجود ندارد و میانگین رتبه آن‌ها تقریباً برابر و یکسان است.

جدول ۷. آزمون نا پارامتری من وایت نی بین جنسیت و نگرش به محیط‌زیست شهری

جنسیت	حجم نمونه	میانگین رتبه	مجموع رتبه‌ها	مقدار آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مرد	۵۹/۸	۴۶/۷۳	۲۸۰۴	-۱/۷۱۸	۰/۰۸۶	تأیید
زن	۴۰/۲	۵۶/۱۵	۲۲۴۶			

رگرسیون چندمتغیره

در این پژوهش برای بررسی و آزمون فرضیات تحقیق علاوه بر ضرایب همبستگی از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره به شیوه گام به گام و جداول آنالیز واریانس استفاده شده است. تحلیل رگرسیونی این امکان را به محقق می دهد تا تغییرات متغیر وابسته نگرش مدیران به محیط زیست شهری را از طریق متغیرهای مستقل پیش بینی و سهم هر یک از متغیرهای مستقل را در تبیین متغیر وابسته تعیین نماید. بر این اساس، مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با $0/727$ است که نشان دهنده رابطه ای در حد زیاد بین متغیرهای مستقل و نگرش مدیران به محیط زیست شهری است. مقدار ضریب تعیین برابر با $0/528$ است و بیانگر این حقیقت است که $52/8$ درصد از تغییرات نگرش مدیران به محیط زیست شهری به این متغیرهای مستقل (میزان استفاده از رسانه های جمعی، میزان ارزش های اجتماعی، میزان تخصص و تجربه کاری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن) مربوط است. نتایج آزمون دوربین واتسون نیز نشانگر استقلال داده ها از یکدیگر بوده و مقدار آن $2/34$ است - اعداد $1/5$ تا $2/5$ برای این آزمون مطلوب هستند.

جدول ۸. خلاصه نتایج رگرسیون

ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار	آزمون دوربین واتسون
$0/727$	$0/528$	$0/492$	$2/09$	$2/34$

تجزیه واریانس نیز معنادار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان داده که سطح معناداری آن را تأیید می کند. آنالیز واریانس نشان می دهد مقدار F برابر با $14/71$ است و با سطح معناداری صفر می توان گفت که با احتمال بیش از 99 درصد، بین متغیرهای مستقل (استفاده از رسانه های جمعی، میزان ارزش های اجتماعی، میزان تخصص و تجربه کاری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن) و متغیر وابسته نگرش مدیران به محیط زیست شهری اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول ۹. آزمون تجزیه واریانس نگرش مدیران به محیط زیست شهری

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F	سطح معناداری
رگرسیون	$449/45$	۷	$64/21$	$14/71$	$0/000$
باقیمانده	$401/55$	۹۲	$4/4$		
جمع	$851/0$	۹۹			

مقادیر ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیرهای سن و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در سطح بیش از ۹۵ درصد معنادار هستند و متغیر میزان تخصص و تجربه کاری در سطح بیش از ۹۹ درصد معنادار است. به ازای هر واحد تغییر در میزان تخصص و تجربه کاری، حدود ۰/۴۷۸ واحد در نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری تغییر به وجود می‌آید. به ازای هر واحد تغییر در میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، حدود ۰/۳۰۸ واحد در نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری تغییر به وجود می‌آید. به ازای هر واحد تغییر در سن، حدود ۰/۲۳۷- واحد در نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری تغییر به وجود می‌آید.

جدول ۱۰. ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری

متغیرها	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۰/۵۹	۲/۶۷۶	-	۳/۹۶۰	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه‌های جمعی	۰/۲۵۹	۰/۰۸۳	۰/۳۰۸	۳/۱۳۴	۰/۰۰۲
ارزش‌های اجتماعی	۰/۱۷۵	۰/۰۹۹	۰/۱۸۱	۱/۷۶۵	۰/۰۸۱
تخصص و تجربه کاری	۰/۴۸۳	۰/۰۹۵	۰/۴۷۸	۵/۱۱۱	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-۰/۸۸۹	۰/۵۲۴	-۰/۰۷	-۱/۶۹۷	۰/۰۹۳
سن	-۰/۱۱۸	۰/۰۵۴	-۰/۲۲۷	-۲/۱۸۲	۰/۰۳۲

شاخص‌های تولرانس و شاخص VIF مربوط به متغیرهای مستقل نشان می‌دهند که اکثر متغیرها از استقلال نسبی برخوردار هستند و جهت رگرسیون چندمتغیره از کارایی و اعتبار لازم برخوردار هستند. همانطور که مشاهده می‌شود، اعداد جدول ۱۱ در دامنه مناسبی قرار گرفته‌اند، یعنی عدد تولرانس کمتر از یک و شاخص VIF نیز کمتر از ۵ می‌باشد. هرچند که در برخی از آن‌ها مقدار شاخص VIF کمی بیش از عدد دو است.

جدول ۱۱. مقادیر تولرانس و شاخص VIF مربوط به متغیرهای مستقل

متغیرها	تولرانس	شاخص VIF
استفاده از رسانه‌های جمعی	۰/۵۲۹	۱/۸۹۰
ارزش‌های اجتماعی	۰/۴۸۵	۲/۰۶۰
تخصص و تجربه کاری	۰/۵۸۷	۱/۷۰۵
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۳۴۶	۲/۸۸۸
سن	۰/۴۳۶	۲/۲۹۲

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌طور کلی حفظ محیط زیست از جمله مسائل مهم جهان امروز است. فاجعه زیست‌محیطی نه تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می‌رباید بلکه موجودیت بشر را نیز تهدید می‌کند؛ به همین علت بحث محیط زیست در مجامع علمی و دانشگاهی از جدی‌ترین بحث‌ها است. یکی از حوزه‌های پژوهشی که در جامعه‌شناسی محیط‌زیست مطالعات بسیاری را به خود اختصاص داده است، مطالعه نگرش، ارزش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی اعضای جامعه است. به‌باور اندیشمندان جامعه‌شناسی طبیعت، محیط‌زیست و جامعه در کنار هم قابل‌درک هستند و نباید آن‌ها را جدا از هم در نظر گرفت. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال بررسی نگرش مدیران شهر اندیمشک از محیط زیست شهری و عوامل مؤثر بر آن بود. این بررسی با روش پیمایشی و در بین ۹۰ نفر از مدیران شهر اندیمشک انجام شد. تحلیل فرضیه نخست مبتنی بر وجود رابطه بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و نگرش مدیران نسبت به محیط زیست شهری نشان داد که بین این دو متغیر رابطه مثبت معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه در این پژوهش این فرضیه تأیید شده است، می‌توان این‌گونه تشریح نمود که با افزایش استفاده از وسایل ارتباط جمعی، نگرش مدیران نسبت به محیط‌زیست شهری بهتر می‌شود و برعکس، استفاده کمتر از وسایل ارتباط جمعی باعث می‌شود مدیران نگرش مثبتی نسبت به محیط‌زیست شهری نداشته باشند. نتایج به‌دست‌آمده در این فرضیه با نظریه اولریش بک مطابقت دارد که ادعا می‌کند هرچه افراد جامعه نسبت به مسائل و مشکلات محیط‌زیست اطراف خود آگاهی بیشتری کسب کنند، بهتر قدر طبیعت را می‌دانند.

از دیگر نتایج پژوهش نقش ارزش‌های اجتماعی در نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری بود. بر اساس یافته‌های پژوهش، همبستگی مثبت و معناداری بین متغیرهای ارزش‌های اجتماعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری وجود دارد. بدین صورت که هرچه میزان ارزش‌های اجتماعی در بین مدیران بیشتر شود، نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری مثبت‌تر می‌شود و برعکس، هرچه میزان

ارزش‌های اجتماعی کمتر شود، نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری منفی‌تر می‌شود. یکی از نگرش‌ها و ارزش‌های جامعه، حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست است؛ بنابراین مدیرانی در این زمینه نگرش مثبتی دارند که ارزش‌های اجتماعی در آن‌ها درونی شده است. این نتیجه با نتیجه پژوهش احمدیان و حقیقتیان (۱۳۹۵) مطابقت دارد. علاوه بر این، نظریه آیزن و فیشباین (۱۹۷۵) نیز این متغیر را تأیید می‌کند.

همچنین نتایج تحلیل فرضیه شماره ۳ نشان داد که میزان تخصص و تجربه کاری بر نگرش مدیران نسبت به محیط‌زیست شهری تأثیر مثبت و معناداری دارد. بدین ترتیب که مدیرانی که تخصص و تجربه لازم را در زمینه مسائل محیط‌زیست شهری و نحوه مدیریت و مشارکت در زمینه محیط‌زیست دارند، نگرش مثبت‌تری به مقوله محیط‌زیست شهری دارند و درصدد حفظ محیط‌زیست و رفع مشکلات و مسائل آن هستند. این نتیجه با نتیجه پژوهش واقفی و حقیقتیان (۱۳۹۳) همسو است و با نتایج پژوهش گانگای و آگرو (۲۰۱۵) همسو نیست.

با باور پارسونز هر نظامی باید نیازهای اولیه افراد را در جامعه برآورده سازد و به همین نسبت از افراد انتظار پاسداری از محیط‌زیست را داشته باشد. این مهم به پایگاه اجتماعی-اقتصادی مدیران و تأثیر آن بر محیط‌زیست شهری اشاره دارد؛ موضوعی که در پژوهش حاضر نیز نمایان است. هرچند در این پژوهش بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه معناداری وجود ندارد؛ نتیجه‌ای که پژوهش مختاری ملک‌آبادی و همکاران (۱۳۹۳) نیز آن را تأیید می‌کند. البته این نتیجه با نتیجه پژوهش واقفی و حقیقتیان (۱۳۹۳) همخوانی ندارد.

این در حالی است که نتایج فرضیه پنجم نشان می‌دهد که بین سن و نگرش مدیران به محیط‌زیست شهری رابطه معکوس معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که هرچه سن مدیران بیشتر باشد، توجه مدیران به محیط‌زیست شهری کمتر است و برعکس، هرچه سن آنان کمتر باشد، توجه مدیران به محیط‌زیست شهری بیشتر می‌شود. نتیجه این متغیر با نتیجه پژوهش ضیاپور و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی دارد.

در نهایت باید گفت که تفاوت معناداری بین مدیران زن و مرد نسبت به محیط زیست شهری وجود ندارد؛ زیرا میانگین رتبه آن‌ها تقریباً برابر و یکسان است. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در موارد نگرش زیست محیطی، آماده سازی برای عمل و احساس فشار وجود ندارد اما در مورد قانون گذاری زیست محیطی نظرات مردان و زنان از هم متفاوت است. زنان تأکید می کردند که قوانین موجود در مورد محیط زیست کافی هستند و اگر این قوانین با سخت گیری و جدیت بیشتری اجرا شوند، مشکلات زیست محیطی حل خواهند شد؛ اما بیشتر مردان معتقد بودند که این قوانین کافی نیست و دولت بایستی قوانین بیشتری را به تصویب برساند تا مردم و عاملان را به حفاظت از محیط زیست وادار کند. نتیجه این فرضیه نیز با نتیجه پژوهش گبیرت (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

پی‌نوشت

۱. بنا بر اعلام بانک جهانی

منابع

- ادهمی، عبدالرضا و اکبر زاده، الهام (۱۳۹۰) بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط‌زیست شهر تهران (مطالعه موردی مناطق ۵ و ۱۸)، مجله تخصصی جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره اول، شماره ۱، صص ۳۷-۶۲.
- معدفر، سعید (۱۳۷۹) جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران، تهران: انتشارات سرزمین ما.
- بدار، لوک؛ ژوزه دزیل و لوک لامارشال (۱۳۸۳) روانشناسی اجتماعی، ترجمه حمزه گنجی، تهران: انتشارات ساوالان.
- هرسی، پال و کنث بلانچارد (۱۳۶۵). رفتار سازمانی، ترجمه علی علاقه‌بند، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نواح، عبدالرضا و شهروز فروتن کیا (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین کنش عقلانی و رفتارهای زیست‌محیطی در جامعه شهری، فصلنامه محیط‌زیست، شماره ۵۱، صص ۶۹-۷۸.
- ندرلو، سمیه و علی شمس (۱۳۹۶) بررسی دانش و نگرش محیط‌زیستی دانشجویان دانشگاه زنجان، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره نوزدهم، شماره ۴، صص ۵۴۵-۵۵۷.
- صالحی، صادق و سارا کریم زاده (۱۳۹۳) بررسی تأثیر ارزش‌های زیست‌محیطی بر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه مناطق شهری ارومیه)، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۲، صص ۶۱-۷۶.
- احمدیان، داریوش و منصور حقیقتیان، (۱۳۹۵)، تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست‌محیطی شهری (مورد مطالعه شهروندان شهر کرمانشاه)، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۷۶-۵۱.
- واقفی، الهام و منصور حقیقتیان (۱۳۹۳) بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی (بعد نهادینه) بر رفتارهای اجتماعی زیست‌محیطی با رویکرد توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی):

- شهر شیراز)، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، دوره دوم، شماره هشتم، صص ۴۷-۶۵.
- تومه، ژرژ (۱۳۸۰) توسعه فرهنگی و محیط زیست، محمود شارع پور، تهران: انتشارات باز. ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ضیایپور، آرش؛ ندا کیانی پور و محمد نیک‌بخت (۱۳۹۲) تحلیل جامعه‌شناختی محیط زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه، فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، سال اول، شماره ۲، صص ۵۵-۶۷.
- مختاری ملک آبادی، رضا؛ عظیمه سادات عبدالهی و حمیدرضا صادقی (۱۳۹۳) تحلیل و بازشناسی رفتارهای زیست محیطی شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان، سال ۱۳۹۱)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۱-۲۰.
- وینوگراد، مانوئل (۱۳۸۱) شاخص‌های توسعه پایدار، ترجمه و تدوین نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم نژاد. تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- Gebert, A. (2014) Recycling in Dubrovink: Discrepancies between attitudes, knowledge and behavior, *RIThink*, Vol.4: 25-29.
- Nath Gangai. K, Agrawal. R (2015) Job Satisfaction and Organizational Commitment: Is It Important for Employee Performance, **International Journal of Management and Business Research**, Volume 5, Issue 4, PP 269-278.
- Singh. K, kumar.s, kumar.v, (2015) Role of perceived organizational support in the relationship between role overload and organizational citizenship behavior, *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, vol 41, no1, pp 77-85.
- Nik, R. N. & Mohammad, N. (2012) A Discussion of Underlying Theories Explaining the Spillover of Environmentally Friendly Behavior Phenomenon, *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 50: 1061–1072.
- Axelord, L. J. & Lehman, D. R. (1993) Responding to environmental concerns: What factors guide individual action? *Journal of Environmental Psychology*, 13(2), 149-159.